

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

مطالعه تطبیقی زیبایی شناسی در اندیشه مولانا و بعضی

نظریه پردازان* (علمی - پژوهشی)

دکتر بهجت السادات حجازی

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

چکیده

آثار هنری جاودانه و ماندگار عمدتاً در لحظه های ناهوشیاری و نااندیشیدگی خلق شده اند و از آنجا که بنیاد آفرینش هستی نیز به مصداق آیه «انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون» خارج از حیطه زمان، مکان، اسباب و وسایط رقم زده شده است، آفرینش هنری نیز بدون تردید حاصل نوعی مکاشفه و اشراق درونی هنرمند است.

در مبحث زیبایی شناسی اولین پرسشی که ذهن نگارنده را به خود مشغول گردانیده، تعریف واژه «زیبایی» است. آیا به راستی می توان از زیبایی تعریفی دقیق و استوار کرد؟ سقراط، کانت و مولانا چه تعریفی از زیبایی دارند؟ تفاوت نگرش افلاطون، کانت و مولوی در زمینه خاستگاه زیبایی و آفرینش هنری چیست؟ بر اساس دو نظریه متفاوت زیبایی شناختی «فاعلیت گرا» و «عینیت گرا» آیا هنر و زیبایی با اخلاق رابطه دارند؟ در این مقوله بر حسب اینکه اصالت از آن خود اثر ادبی و هنری باشد یا مخاطب و مولف اثر، نوع رابطه بین این سه مؤلفه تأیید کننده کی از نظریه های «فاعلیت گرا» یا «عینیت گرا» است.

جستجوی دلایل زیبایی سروده های مولانا بخشی دیگر از این نوشتار است. سخن سنجان، وحدت همراه با تنوع و تکرار را از اهم معیارهای زیبایی شناسی برمی شمارند. فرایند کثرت در دل وحدت و وحدت در بطن تکرار